

خیرالله پروین*

روح الله علیداد زاده**

چکیده

نهاد انتخابات سابقه تاریخی و دیرینه‌ای در لبنان دارد و لبنانی‌ها از گذشته‌های دور با این نهاد آشنا هستند. در ابتدا لبنانی‌ها در سطح محدودی در انتخاب حاکمانشان دخالت داشتند، اما به مرور زمان نقش آنها در انتخابات بیشتر شد تا اینکه در سال ۱۸۴۵ نظام‌نامه‌ای با عنوان «اصلاحات شکیب افندی» تصویب شد که طبق آن انتخابات به معنای امروزی در لبنان برگزار و انتخاب اعضای دو مجلس قضا و مستشاران بر عهده مردم گذاشته شد. به دنبال همین توسعه انتخابات در لبنان بود که انتخاب نمایندگان مجلس و رئیس جمهور به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر عهده شهروندان لبنانی گذاشته شد. به این صورت که در سال ۱۹۲۲ اولین قانون انتخابات مجلس نمایندگان با ۱۴۰ ماده تصویب گردید و نمایندگان به صورت مستقیم توسط لبنانی‌های واجد شرایط انتخاب شدند و از آن تاریخ به بعد، قوانین انتخاباتی مجلس بارها دچار تغییر و دگرگونی شد که آخرین آنها قانون انتخابات مجلس نمایندگان در سال ۲۰۰۸ است. این قانون جامع‌ترین قانون انتخابات در بین قوانین گذشته به شمار می‌رود و قانون‌گذار سعی کرده با وضع مقررات و احکام نسبتاً جامع، به سلامت و شفافیت هر چه بیشتر انتخابات کمک نماید. در کنار انتخاب نمایندگان مجلس و تغییر و تحولات آن، با تصویب اولین قانون اساسی در سال ۱۹۲۶ پست ریاست جمهوری برای اولین بار به رسمیت شناخته شد و انتخاب رئیس جمهور به مجلس نمایندگان و سنا واگذار گردید، اما امروز انتخاب رئیس جمهور تنها بر عهده نمایندگان مجلس است.

کلیدواژه‌ها: تاریخچه انتخابات، انتخابات، مجلس نمایندگان، قانون انتخابات، ریاست جمهوری.

* استادیار گروه حقوق عمومی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

** کارشناس ارشد حقوق عمومی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال هجدهم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۰، صص ۱۷۴ - ۱۴۵.

در دموکراسی‌های یونان و روم، انتخابات نقشی در تعیین مقامات نداشت؛ زیرا دموکراسی در آن روز از نوع مستقیم بوده و شهروندانی که حق رای داشتند، هر روز در میدان عمومی برای اتخاذ تصمیمات عمومی جمع می‌شدند و هنگامی که تعیین مقاماتی برای بر عهده گرفتن مشاغل و مسایل عمومی لازم بود از طریق انتخابات تعیین نمی‌شدند، بلکه به واسطه قرعه انتخاب می‌شدند^۱ و اساساً دموکراسی‌های قدیم انتخابات را به عنوان روشی برای انتخاب فرمانروایان نپذیرفتند، در نتیجه تاریخچه برگزاری انتخابات به شکل امروزی را می‌توان نوزاد دموکراسی جدید دانست، یعنی از زمانی که در نتیجه تحولات سیاسی جوامع، حق فرمانروا بودن از یک شخص یا گروه‌های خاصی سلب شده و حق نظارت بر تصمیم‌گیری‌ها و رفتار فرمانروایان جزو حقوق مشخصه عموم جامعه شناخته شد و عامه مردم به تدریج وارد جریان مشارکت سیاسی شدند و مساله انتخابات جهت برگزیدن فرمانروایان و نمایندگان از طرف مردم مطرح گردید و به مرور زمان دچار تحولات زیادی را گردید.^۲ انگلستان به عنوان نخستین کشوری که سنگ بنای انتخابات در آن پایه‌ریزی شده است، در سال ۱۲۱۵ منشور بزرگ به وسیله پادشاه این کشور امضا و طبق آن شورایی از اشراف و روحانیون عملکرد پادشاه را به خصوص در زمینه مالیاتی مورد نظارت قرار می‌دادند و در پی تحولاتی که به خصوص در زمینه صنعت و در نتیجه افزایش قدرت بورژوازی شهری صورت گرفت، این گروه نیز نمایندگانی در این شورا به دست آوردند. در نتیجه این تغییر و تحولات مساله انتخابات مطرح گردید و به گونه‌ای ساده پایه انتخابات در این کشور ریخته شد.^۳ طی سال‌های اخیر انتخابات راه تکاملی و منسجمی طی نمود، به گونه‌ای که امروزه انتخابات شرط لازم برای ایجاد دموکراسی و انتخابات آزاد و منصفانه حد اعلی و اوج دموکراسی^۴ تلقی می‌شود. بنابراین استقرار حقوقی و سیاسی انتخابات در شکل نهایی آن، در قرون ۱۷ و ۱۸ با پذیرش نظریه نماینده سالاری و ایجاد رژیم نماینده‌ای و متعاقب ظهور «نظریه حاکمیت ملی» انجام پذیرفت.^۵

در مورد تاریخچه انتخابات در لبنان می‌توان گفت که انتخابات در لبنان یک سنت تاریخی ریشه‌دار است که لبنانی‌ها از زمان‌های گذشته، انتخابات را وارد عرصه زندگی سیاسی

خود نمودند که تا امروز نیز ادامه دارد و در واقع تجربه عملیات انتخابات در لبنان محور تمرین حقیقی برای دموکراسی لبنانی تلقی می‌شود و باعث توسعه نظام سیاسی لبنان از حالت عقب‌ماندگی به توسعه‌یافتگی شد.^۶ انتخابات در گذشته‌های دور یعنی از زمان فینیقی‌ها به‌عنوان ساکنان اولیه لبنان تا قبل از دوره قائم‌مقامان در سطح محدودی برای انتخاب حاکمان و مجالس شیوخ و عمومی برگزار می‌شد. البته نه انتخاباتی که توسط عموم مردم برگزار می‌شد، بلکه تعداد اندکی از مردم که عضو مجالس شیوخ بودند و یا مقامات عالی‌تری یک نشست، حاکم یا بعضی از مقامات را تعیین می‌کردند. لذا شروع انتخابات به معنای امروزی آن را می‌توان از دوره قائم‌مقامان یعنی اواسط قرن ۱۹ دانست و از آن زمان به بعد انتخابات در لبنان و قوانین انتخاباتی مجلس سیر تکاملی را طی نمودند. اگرچه بر قوانین وضع شده در زمینه انتخابات ایرادات اساسی وارد است اما با توجه به موقعیت لبنان، به‌خصوص در زمینه ناهمگون بودن جمعیت، طوایف مذهبی گوناگون که در این کشور وجود دارد و درگیری‌هایی که همواره بین گروه‌های موجود در لبنان وجود داشته و عدم ثبات در آن، می‌توان روند حرکتی قوانین انتخاباتی در لبنان را خوب ارزیابی نمود؛ به‌خصوص قانون انتخابات ۲۰۰۸ که یک قانون نسبتاً جامع و شفاف می‌باشد. اما تاریخ انتخاب رئیس‌جمهور به دوران بعد از قیمومیت فرانسه برمی‌گردد. در این دوران یعنی در سال ۱۹۲۶، اولین قانون اساسی لبنان که متأثر از قانون اساسی جمهوری سوم فرانسه است، تدوین شد که بر اساس این قانون، نوع حکومت در لبنان، جمهوری و رئیس‌جمهور توسط مجلس نمایندگان و سنا انتخاب می‌شد. پژوهش پیش روی در سه گفتار ساماندهی شده است. در گفتار اول، نگاهی گذرا به روند پیدایش هسته‌های اولیه انتخابات در لبنان تا دوره متصرف صورت می‌گیرد تا پیش‌زمینه‌ای برای درک بهتر موضوع به‌دست آورده شود. در گفتار دوم، سیر تغییر و تحولات قوانین انتخاباتی مجلس نمایندگان تا تصویب قانون انتخاباتی سال ۲۰۰۸ مورد بررسی قرار می‌گیرد، و در گفتار سوم روند انتخاب ریاست جمهوری مطرح می‌گردد.

گفتار اول: هسته اولیه انتخابات

بند اول: عهد فینیقی

به گفته مورخان، فینیقی‌ها گاهی دارای حکومت‌های پادشاهی مطلقه و گاهی مقید به مجالس شیوخ و مجالس عمومی بودند که رئیس حکومتشان را برای زمان مشخصی انتخاب و از بین اعضای مجالس شیوخ، دو نفر را برای اداره امور دولتی و نظارت بر قضات و کارکنان انتخاب می‌نمودند.^۷ بنابراین، لبنانی‌ها را می‌توان به‌عنوان یکی از ملت‌های فینیقی جزو اولین ملت‌ها در بخش شرقی محسوب نمود که از شیوه انتخاب برای تعیین حاکمان و اعضای مجالسشان استفاده می‌کردند.^۸

بند دوم: دوره رومی‌ها

رومی‌ها که لبنان را اشغال نمودند به حکومت‌های ملی در فتودال‌ها اجازه برگزاری انتخابات یا شبیه به آن را برای انتخاب رؤسای دینی و ثروتمندان ملتشان، برای تشکیل مجلسی دادند که این مجلس دارای اختیار انتخاب رئیس مجلس بود که در آن واحد رئیس فتودال هم محسوب می‌شد.^۹

بند سوم: دوره المرده و مقدمین و امیران مغرب

این دوره که از اوایل قرن هفتم تا آغاز قرن ۱۶ ادامه داشت، حکام لبنانی، یا اجباری انتخاب می‌شدند یا اینکه با انتصاب برگزیده می‌شدند. به این صورت که حکام به‌صورت وراثتی انتخاب می‌شدند و از پدر به پسرها می‌رسید، ولی اگر حاکم می‌مرد و وارثی نداشت، در این صورت امیران و اشراف نشستگی برگزار می‌کردند و بعد از بحث و مشورت حاکم را انتخاب می‌کردند.^{۱۰}

بند چهارم: حکومت معان‌ها (۱۶۹۷-۱۵۱۶)

این دوره با فتح عثمانی به سال ۱۵۱۶ آغاز شد و امیر فخرالدین همه گروه‌های لبنانی را جمع و اعلام نمود که پادشاهی به‌صورت ارثی در میان خانواده‌اش می‌باشد و در واقع در این دوره مردم هیچ‌گونه دخالتی در تعیین حاکم خود نداشتند.^{۱۱}

بند پنجم: دوره شهابیون (۱۸۴۲-۱۶۹۷)

در این دوره لبنانی‌ها چندین نشست برای تعیین حاکم برگزار نمودند که مهم‌ترین آنها نبع باروک می‌باشد. در این نشست به سال ۱۷۵۴ هنگامی که امیر ملحم به علت بیماری نتوانست حکومت کند و چون فرزندی نداشت که بتواند انجام مسئولیت کند، بعد از گفت‌وگو و مشورت با برادر امیر، او را به‌عنوان حاکم انتخاب نمودند.^{۱۲}

بند ششم: دوره قائم‌مقامان^{۱۳}

انتخابات به معنای کنونی و فنی آن (انتخاب حاکمان توسط مردم) در لبنان در اواسط قرن ۱۹ و دوره قائم‌مقامان و به نظام‌نامه‌ای با عنوان «اصلاحات شکیب افندی» برمی‌گردد. این نظام‌نامه اوضاع جبل لبنانی لبنان را به سال ۱۸۴۵، بعد از درگیری‌هایی که بین دروژی‌ها و مارونی‌ها رخ داد، در ۳۸ ماده نظم بخشید و شامل تعداد اعضا و چگونگی انتخاب دو مجلس قضا و مستشاران دروز و مارونی و حدود وظایف و ماموریتشان بود که انتخاب‌شوندگان در این نظام محدود به اعیان بودند.^{۱۴}

از شروط اعضای این دو مجلس، عدم حمایت از بیگانگان و عدم تابعیت از فرماندار محلی بود.^{۱۵} دو مجلس هرکدام ۱۲ عضو که هر طایفه دو عضو داشت و حق انتخاب قضا و مستشارین به اسقف‌ها و عالمان و بزرگان دین داده می‌شد. جنبه مهم دیگر این نظام این است که طایفه‌گری دینی را در لبنان را تثبیت و به‌صورت قانون درآورد.^{۱۶}

همان‌طور که اشاره شد، نظام‌نامه شکیب افندی به تقسیم قدرت در جبل لبنان بین دو اقلیت بزرگ دینی مارونی و دروزی پرداخت، بنابراین سرآغاز قانونمند کردن طایفه‌گری مذهبی و تثبیت آن در نظام انتخاباتی و سیاسی لبنان شد که این امر سبب تاسیس یک حکومت کوچک فرقه‌ای برای اولین بار در تاریخ شام گردید^{۱۷} و در سال ۱۹۲۶ وارد اولین قانون اساسی لبنان شد و نظام سیاسی لبنان را به‌شکل طایفه‌ای تنظیم کرد. طبق اصل ۹۵ قانون اساسی ۱۹۲۶ به‌طور موقت و با هدف ایجاد عدالت و صلح، طوایف به‌طور عادلانه در مشاغل دولتی و ترکیب وزارتی حضور دارند، بدون اینکه این امر بتواند به مصلحت دولت ضرر برساند. وجود این اصل در قانون اساسی

سبب عرف مستحکمی بین طوایف شده بود، به طوری که قانون گذار در اصلاحیه سال ۱۹۹۰ قانون اساسی نتوانست طایفه گری را لغو کند و تنها بر اتخاذ تدابیر لازم در آینده برای لغو طایفه گری تاکید نمود. مجلس نمایندگان لبنان بر اساس مساوات میان مسلمانان و مسیحیان، تدابیر لازم را برای جذب طایفه گرایی سیاسی و الغای آن بر اساس یک برنامه مرحله بندی شده اتخاذ می کند. در طول دوره انتقالی: ۱. تمامی طوایف به شکل عادلانه ای در تشکیل دولت حضور دارند؛ و ۲. قاعده نمایندگی فرقه ای لغو می شود و تخصص و صلاحیت در مشاغل دولتی، مناصب قضایی و سازمان های نظامی و امنیتی و مؤسسات دولتی و نیمه دولتی بر اساس الزامات آشتی ملی به استثنای طبقه اول مشاغل یا مشاغل معادل، جایگزین آن می شود. مشاغل مزبور به طور مساوی بین مسیحیان و مسلمانان تقسیم می گردد و با رعایت اصول تخصصی و صلاحیت شغلی به طایفه ای مشخص اختصاص داده نمی شود. این اصل مخالف برابری تمامی شهروندان در برابر قانون و دادن فرصت برابر به آنهاست، به خصوص با اصل دو قانون اساسی در تضاد می باشد؛ همه لبنانی ها در برابر قانون یکسان هستند و باید به طور مساوی از حقوق مدنی و سیاسی برخوردار باشند بدون اینکه تفاوتی در بهره مندی آنها از این حقوق باشد، اما چگونه امکان دارد که این تساوی به صورت واقعی و حقیقی وجود داشته باشد، در صورتی که بعضی از لبنانی ها از امتیازات و حقوقی برخوردارند که دیگر شهروندان از آنها بی بهره هستند.^{۱۸} آیا دموکراسی دارای اعتبار است تا زمانی که حقوق مجزا بین شهروندان وجود دارد؟ حقوقی که نه بر اساس شهروند بودن، بلکه بر اساس طایفه گری است.^{۱۹} این تقسیم قدرت میان طوایف بین نمایندگان مجلس به صورت تقسیم مساوی نمایندگان مسیحی و مسلمان است و در درون هریک از این ادیان باز شاهد تقسیم نمایندگی بین فرقه ها هستیم.

بند هفتم: دوره متصرف

در این دوره حاکم لبنان یک مسیحی عثمانی (غیر لبنانی) بود که توسط پادشاه عثمانی با موافقت سفرای دولت های اروپایی برای مدت پنج سال انتخاب می شد. نمایندگان شش کشور بزرگ اروپایی؛ یعنی انگلستان، اتریش، آلمان، روس، فرانسه و ترکیه در ۹ حزیران/ ژوئن ۱۸۶۱

نشستی در بیروت برای حل مشکلات لبنان به ریاست فؤاد پاشا، نماینده پادشاه عثمانی، تشکیل دادند که بعد از گفت‌وگوهای صورت گرفته، نظام جدیدی را تحت عنوان «نظام متصرفی جبل لبنان» در ۱۷ ماده جایگزین نظام قبلی نمودند و در ۶ ایلول ۱۸۶۴ آن را به صورت نهایی تحت عنوان «نظامات جبل لبنان» در ۱۸ ماده صادر کردند.^{۲۰} البته در سال ۱۹۱۲ دوباره نظام جبل لبنان با اصلاحاتی روبه‌رو شد. در نظام‌نامه جبل لبنان که در ۶ ایلول ۱۸۶۴ به شکل جدیدی مورد اصلاح قرار گرفت، به شورای اداری اشاره می‌کند که اعضای آن به وسیله انتخابات دو درجه‌ای برگزیده می‌شدند و اصل انتخاباتی بودن را مورد تأیید و حمایت قرار داد. در واقع، رشد پارلمان در قالب تحولات تاریخی بر اساس اصل مشارکت در قدرت در چارچوب نظام متصرفی و ایجاد شورای اداری و برگزاری انتخابات این شورا بود^{۲۱} که از جمله وظایف این شورا، می‌توان به توضیح مالیات‌ها و نظارت بر واردات و دادن رای مشورتی در اموری که متصرف به آن ارجاع می‌نمود، اشاره کرد.

طبق ماده ۱۰ نظام اصلاحی، اعضای این شورا به وسیله مشایخ صلح به عنوان برگزیدگان اهالی انتخاب می‌شدند که یک سوم آنها هر دو سال یک بار تجدید می‌شدند. به همین خاطر به مشایخ صلح صفت «نمایندگان ثانوی»^{۲۲} داده شد. به این صورت که پس از انتخاب مشایخ صلح توسط افراد روستاها، آنان در مرکز قائم مقام جمع می‌شدند و تحت نظارت قائم مقام، نماینده یا نمایندگان‌شان را انتخاب می‌کردند. مشایخ صلح نیز به وسیله افراد روستاها که ۱۵ سال سن و حداقل پنج سال اقامت متوالی در روستا داشته باشند، انتخاب می‌شدند.

در سال ۱۹۰۲ اولین نظام‌نامه رسمی انتخابات مشایخ صلح وضع و در سال ۱۹۰۳ اصلاح شد که بر طبق این نظام‌نامه انتخابات به شکل زیر برگزار می‌شد.

مسئول برگزاری انتخابات باید حداقل یک هفته قبل از انتخابات یک روز تعطیل را برای انتخابات اعلام کند و دستور پخش پوسترهای انتخاباتی بر درب‌های عبادتگاه‌ها و میادین و مکان‌های عمومی را بدهد، سپس مختار باید در محل اجتماع حضور یابد و فهرستی از اهالی که می‌توانند رای دهند، تهیه نماید که از شرایط رای‌دهنده، ۱۵ سال سن و پنج سال متوالی در روستا اقامت داشتن بود. رای‌گیری با حضور افراد ذکر شده در بند دو آغاز و بعد از شناسایی

رای‌دهندگان و داشتن اهلیت انتخاب کردن، رای‌دهنده می‌تواند رای دهد و این کار باید توسط خود رای‌دهنده صورت گیرد مگر اینکه کسی به کفالت از او انتخاب شده باشد. برای انتخاب اعضای شورای اداری، متصرف زمان و مکان انتخابات را مشخص می‌نمود که بسته به شرایط، مکان انتخابات تغییر می‌کرد، به این صورت که اگر شرایط عادی بود شیوخ صلح روستاهای زیر مجموعه شهرستان به ریاست قائم مقام در مرکز شهرستان جمع و به شخص مورد نظر رای می‌دادند و اگر شرایط اضطراری و غیرعادی بود، مشایخ شهرستان یا شهرستان‌های مورد نظر برای انتخاب عضو یا اعضای متعلق به شهرستان یا شهرستان‌ها در آغاز تابستان یا زمستان در مرکز متصرفی حاضر می‌شدند و به شخص مورد نظر رای می‌دادند.^{۲۳}

قبل از ورود به بحث قوانین انتخاباتی، لازم است در مورد حوزه‌های انتخاباتی به‌عنوان یکی از عوامل تاثیرگذار و بحث برانگیز در تصویب قوانین انتخاباتی و در مجموع نظام انتخاباتی لبنان توضیحاتی داده شود.

یکی از محورهای اساسی برای هر قانون انتخاباتی مساله حوزه‌های انتخاباتی است که نقش بسیار مهمی در تحقق یک انتخابات سالم و منصفانه دارد؛ چرا که تعیین حوزه‌های انتخاباتی نه تنها بر نامزدها و نمایندگان حوزه‌ها در مجلس تاثیر می‌گذارد، بلکه بر رای‌دهندگان و احزاب و گروه‌ها و مهم‌تر از همه بر نتایج انتخابات و ترکیب قوه مقننه تاثیر شگرفی دارد؛ به این صورت که حکومت‌ها می‌توانند با دستکاری در حدود حوزه‌های انتخاباتی مدیریت فرآیند انتخابات را در دست گرفته و در نتیجه بر روند انتخابات تاثیر بگذارند که این مساله از طریق ادغام حوزه‌ها و یا یک حوزه را به چند حوزه تقسیم کردن صورت می‌گیرد.^{۲۴}

حوزه‌های انتخاباتی در لبنان در زمینه ادغام یا تفکیک همواره با تغییراتی روبه‌رو بوده است، به‌طوری‌که می‌توان گفت یکی از مشخصه‌های بارز نظام انتخاباتی لبنان همین تغییرات پی‌درپی حوزه‌های انتخاباتی است که این به عوامل متعددی برمی‌گردد که اکثر آنها مرتبط است به پراگماتیسم گروهی و شخصی در قانون‌گذاری، بدون اینکه تلاشی در جهت تقسیم‌بندی حوزه‌ها بر روی معیار ثابت در جهت منافع ملت برداشته شود. بنابراین، تغییرات پی‌درپی را می‌توان ناشی از سه عامل اساسی دانست:^{۲۵}

۱. وجود مناطق نفوذ برای بعضی از رهبران در لبنان: مساله‌ای که برای رهبران گروه‌ها و طوایف در درجه اهمیت قرار داشت، کوچک یا بزرگ کردن حوزه‌ها بود؛ به این صورت که سعی نمودند با بزرگ یا کوچک نمودن حوزه‌ها، بیشترین نفوذها را در حوزه‌های انتخاباتی برای خود به‌دست آورند.

۲. عامل طایفه‌گری و تحولات آن: این عامل نیز نقش اساسی در تقسیم‌بندی حوزه‌ها داشت، به‌طوری که تلاش می‌شد وسعت حوزه‌ها و ماهیت آنها دربرگیرنده بیشترین تعداد از رای‌دهندگان یک طایفه باشد.

۳. صلاح‌دید نیروهای حاکم بر کشور: نیروهای سیاسی حاکم برای ایجاد کسب بیشترین کرسی نمایندگی خواستار کوچک و بزرگ شدن حوزه‌ها بودند، در واقع تقسیم حوزه‌ها در لبنان بر اساس مصالح گروه‌های سیاسی در داخل نظام طایفه‌گری بود.^{۲۶}

بنابراین با توجه به مطالب ذکر شده و با مروری بر قوانین حاکم بر لبنان می‌بینیم که گاهی استان، شهرستان، حوزه‌های کوچک و گاهی هم متوسط و بزرگ با هم استفاده می‌شدند، ولی تغییرات حوزه‌ها بیشتر حول استان و شهرستان در گردش بود. برای آگاهی از چگونگی این تغییر و تحولات به بررسی آن می‌پردازیم.

الف) حوزه‌های کوچک

در سال ۱۹۵۲ از حوزه‌های کوچک (۳۳ حوزه) به‌عنوان حوزه‌های انتخاباتی استفاده شد که این محدوده تنها یک بار در قوانین انتخاباتی مورد استفاده قرار گرفت که هدف آن جلوگیری از پیروزی نیروهای طایفه‌ای و سنتی بود.^{۲۷}

ب) حوزه استان

تا سال ۱۹۵۴ استان محدوده انتخاباتی، و از ۱۹۵۴ تا ۱۹۹۲ شهرستان مبنای تعیین محدوده حوزه انتخاباتی شد و در سال ۱۹۹۲ با توجه به توافق‌نامه طائف دوباره استان محدوده حوزه انتخاباتی شد. توافق‌نامه طائف به‌عنوان گامی مهمی در لغو طایفه‌گری تلقی می‌شود؛ چراکه

حوزه استان از نظر حضور گروه‌های دینی نسبت به حوزه شهرستان از تنوع بیشتری برخوردار است، در نتیجه رای‌دهندگان می‌توانند به نامزدهای دیگر گروه‌ها با حق انتخاب بیشتری رای دهند و به تبع آن نامزدهای پیروز هم احساس تعلق بیشتری به کشور پیدا می‌کنند تا به اقلیت قومی خودشان. البته پیشنهاد استان به عنوان محدوده حوزه انتخاباتی موضوع اختلاف بین سیاستمداران بوده و هست. آنان تحدید حوزه‌ها و استان‌ها را به شکلی می‌خواستند که بیشترین تعداد نیروهای آنها بتوانند وارد مجلس شوند و اختلاف آنها در ادغام یا تفکیک یک حوزه انتخاباتی می‌باشد. به این صورت که بعضی از آنها می‌خواستند دو استان یک حوزه شود و بعضی خواستار تقسیم بعضی استان‌ها به دو حوزه یا بیشتر بودند، بدون اینکه معیار واحدی برای این تقسیم‌بندی در نظر بگیرند. ایرادی که به استان به عنوان حوزه انتخاباتی وارد می‌شود، این است که پذیرش استان به عنوان حوزه انتخاباتی منجر به عدم نمایندگی شهرستان‌ها می‌گردد یا دارای نمایندگانی می‌شوند که نماینده حقیقی این شهرستان‌ها نیستند.

ج) حوزه شهرستان

حوزه شهرستان در سال‌های ۱۹۴۵ تا ۱۹۹۲ و سپس در سال ۲۰۰۸ محدوده حوزه انتخابیه شد. قانون انتخابات ۲۰۰۸ بر اساس توافق دوحه و با توجه به قانون ۱۹۶۰، لبنان را به ۲۶ حوزه انتخابی تقسیم نمود و شهرستان را محدوده حوزه انتخابی تعیین کرد، به جز حوزه‌های: مرجعین- حاصبیا، بقاع غربی- راشیا و بعلبک - الهمل. این شهرستان‌ها (محدوده‌های حوزه انتخابی) از نظر جمعیت و اندازه کرسی‌هایی که به آنها تعلق می‌گیرد، متفاوت هستند. استفاده از شهرستان به عنوان حوزه انتخاباتی باعث می‌شد که کشمکش‌های طوایف در سطح ملی تاحدودی کنترل شود و به سطح شهرستان کشانده شود. اما استفاده از این حوزه نیز دارای نقاط ضعفی است؛ به عنوان مثال نمایندگانی که انتخاب می‌شوند، در واقع نماینده طایفه خود در آن حوزه می‌باشند و از نمایندگی ملی تاحدودی دور می‌شوند.^{۲۸} همچنین پذیرش شهرستان به عنوان محدوده حوزه انتخاباتی مخالف قانون اساسی و توافق‌نامه طائف است که هرکدام سعی در لغو طایفه‌گری در سطح ملی دارند. به این صورت که توافق‌نامه طائف برای لغو طایفه‌گری

سیاسی، استان را که دارای تنوع بیشتری از نظر اقلیت‌ها و گروه‌های مذهبی نسبت به شهرستان است، انتخاب و حوزه شهرستان را که عامل تثبیت طایفه‌گری و مذهبی‌گرایی بود، رد نمود. قانون اساسی نیز به دنبال توافق‌نامه طائف در سال ۱۹۹۰ دچار اصلاحاتی شد و در اصل ۲۲ و ۲۴ بر لغو طایفه‌گری سیاسی برای رسیدن به نمایندگی ملی تاکید نمود.

د) حوزه متوسط و بزرگ

در قانون انتخابات سال ۲۰۰۰، دو حوزه بزرگ و متوسط با هم به کار گرفته شد. به این صورت که در تقسیم‌بندی حوزه‌ها، از اقلیم اداری ثابت یعنی استان از واحدهای اداری داخل استان یعنی شهرستان، استفاده نشد، بلکه واحدهای اداری جدیدی ایجاد شد که با نیازهای شهروندان و منافعشان هم‌خوانی نداشت.^{۳۹} در این قانون بدون اینکه از یک معیار واحد استفاده شود، دو استان الجنوب و النبطه یک حوزه شدند و استان جبل لبنان به چهار حوزه و استان الشمال به دو حوزه و البقاع به سه حوزه و استان بیروت به سه حوزه تقسیم شدند. ایراد دیگری که در این قانون و تقسیم حوزه‌ها وارد است، عدم تناسب بین تعداد حوزه‌ها و تعداد کرسی‌های نمایندگی برای آن است؛ به‌طور مثال، استان بقاع دارای سه حوزه و ۲۳ نماینده بود، در حالی که استان الشمال با ۲۸ نماینده به دو حوزه تقسیم شد. بنابراین با توجه به مطالب گفته شده، به نظر می‌رسد که استفاده از استان به‌عنوان حوزه انتخابی برای لغو طایفه‌گری سیاسی و رسیدن به مرحله ملی‌گرایی با توجه به قانون اساسی و توافق‌نامه طائف و خواسته‌های مردم لبنان مناسب‌تر می‌باشد. البته نباید صرف پذیرفتن استان به‌عنوان حوزه انتخاباتی را هدف نهایی قرار داد، بلکه همان‌طور که در توافق‌نامه طائف آمده، باید سه موضوع تضمین زندگی مشترک، سلامت نمایندگی سیاسی و نیز کارکرد نمایندگی برای نسل‌های آینده را مد نظر قرار داد.^{۴۰} ادمون رباط برای خروج از طایفه‌گری، نظام حوزه فردی را پیشنهاد می‌کند و می‌گوید: «در این نظام برای همه شهروندان لبنانی از هر طایفه‌ای که باشند این حق وجود دارد که نامزدی‌اش را در هر حوزه‌ای که بخواهد، ارایه دهد به‌شرطی که کرسی نمایندگی در این حوزه‌ها به طایفه مشخصی اختصاص داده نشود که در این صورت نامزدها برنده آرای رای‌دهندگان به برنامه‌هایشان و

شخصیت او خواهند بود، نه مذهب و طایفه‌اش و در واقع برنده انتخاب و تمایل آزادانه رای‌دهندگان خواهند بود»^{۳۱}

گفتار دوم: دوره لبنان بزرگ و تصویب اولین قانون انتخابات مجلس نمایندگان

بعد از خروج ارتش ترکیه، جامعه ملل، لبنان را تحت قیمومت فرانسه قرار داد و در اول ایلول/ سپتامبر ۱۹۲۰ نماینده فرانسه در لبنان (ژنرال غورو) کمیته‌ای متشکل از ۱۷ نماینده از همه طوایف و مناطق تشکیل داد و آن را مامور وضع قانون انتخابات نمایندگان نمود که در ۱۸ آذار/ مارس ۱۹۲۲ قانون ایجاد مجلس نمایندگان به جای شورای اداری صادر شد که به‌عنوان اولین قانون انتخابات در دولت لبنان تلقی می‌شود.^{۳۲}

قانون جدید با ۱۴۰ ماده به موجب دو مصوبه یکی به شماره ۱۳۰۴^{۳۳} (۸ آذار/ مارس ۱۹۲۲) که اختیارات حاکم کل و ایجاد مجلس نمایندگان و تعیین صلاحیت‌ها و تشکیل کمیسیون‌ها را مشخص می‌کرد، و دیگری به شماره ۱۳۰۷ (۱۰ آذار/ مارس ۱۹۲۲) که در آن مراکز انتخاباتی و چگونگی تقسیم آنها، ایجاد فهرست‌های انتخاباتی و تبلیغات مشخص شده است.^{۳۴} بر اساس این قانون دوره نمایندگی چهار سال، نمایندگان با رای‌گیری غیرمستقیم و دو درجه‌ای و بر اساس حوزه‌های بزرگ استان انتخاب می‌شدند.^{۳۵} به این صورت که ابتدا مردم نمایندگان ثانوی را که باید لبنانی بوده، دارای حق انتخاب، ۳۵ سال سن و توانایی خواندن و نوشتن داشته باشند، در روز یکشنبه دو هفته قبل از انتخابات، انتخاب می‌کردند، سپس این نمایندگان ثانوی در مرکز استان جمع و نمایندگان مجلس را با توجه به قاعده طایفه‌گری دینی و مناطق انتخاب می‌کردند.^{۳۶}

بند اول: دوره جمهوریت

در این دوره اولین قانون اساسی لبنان به تاریخ ۲۳ ايار/ مه ۱۹۲۶^{۳۷} اعلان می‌شود و سرآغاز دوره‌ای تازه در تاریخ انتخاباتی لبنان تلقی می‌شود که بر اساس این قانون نوع حکومت در لبنان، جمهوری و رئیس‌جمهور طبق اصل ۴۹ توسط مجلس نمایندگان و سنا انتخاب می‌شد:

«رییس‌جمهور با رای‌گیری غیرعلنی و با اکثریت دو سوم آرا توسط مجلس و نمایندگان که در کنگره گردهم می‌آیند، انتخاب می‌شود ... که برای مدت سه سال انتخاب می‌شود.»

بر اساس اصل ۲۲ قانون اساسی پیش از اصلاح، مجلس سنا متشکل از ۱۶ عضو بود که هفت نفر از آنها را رییس‌جمهور تعیین کرده و بقیه انتخاب می‌شدند و در تعیین و انتخابشان طوایف و مناطق باید در نظر گرفته می‌شد. دوره نمایندگی اعضا ۶ سال بوده و می‌توانستند بدون هیچ‌گونه محدودیتی برای دوره‌های بعد انتخاب شوند. همچنین در اصل ۲۴ قانون اساسی ۱۹۲۶ پیش از اصلاح آمده که اعضای مجلس نمایندگان طبق مفاد مصوبه شماره ۱۳۰۷ مورخ ۱۰ آذر / مارس ۱۹۲۲ که تا تدوین قانون جدید انتخابات توسط قوای مقننه کماکان مجراست، انتخاب می‌شوند. در تشرین الاول/ اکتبر ۱۹۲۷ قانون اساسی لبنان دچار اصلاحاتی شد که به موجب این اصلاحات دو مجلس سنا و نمایندگان در هم ادغام شده و یک مجلس با ۴۵ عضو را تشکیل می‌دادند که دو سوم انتخاب و یک سوم تعیین می‌شدند. در سال ۱۹۳۴، قانون انتخابات دچار اصلاحاتی^{۳۸} شد و تعداد نمایندگان به ۲۵ نفر رسید (۱۸ نفر انتخابی و ۷ نفر منصوبی) و انتخابات به صورت مستقیم و یک درجه‌ای و مبدا توزیع نمایندگان مانند قانون قبلی بر اساس مناطق و طوایف صورت می‌گرفت.

بند دوم: دوره استقلال لبنان تا سال ۲۰۰۸

از سال ۱۹۴۳ تعدادی قوانین انتخاباتی در لبنان به تصویب رسید که نتوانستند وحدت ملی بین لبنانی‌ها را تقویت و دستاوردهای دموکراسی مطلوب را محقق سازند. علت عدم کارایی این قوانین، بازتاب مجالس نمایندگان بود که آرمان نسل‌ها و انتظارات آنها را نمایندگی نمی‌کردند.^{۳۹}

۱. قانون انتخابات ۱۹۴۳

طبق مصوبه شماره ۳۱۲ به تاریخ ۱۹۴۳/۷/۳۱ انتخابات نمایندگی برگزار شد و با برگزاری این انتخابات، مقدمات استقلال لبنان از فرانسه فراهم گردید. از نکات مهم این قانون می‌توان به این موارد اشاره کرد: ۱. تعداد اعضای مجلس ۵۵ نفر بود؛ ۲. هر استان یک حوزه انتخاباتی

محسوب می‌شد (۵ استان)؛ ۳. نامزدها باید حداقل ۲۵ سال سن و توانایی خواندن و نوشتن داشته باشند؛ ۴. رای‌دهنده باید حداقل ۲۱ سال تمام داشته باشد؛ ۵. جمع بین نمایندگی و مشاغل عمومی یا دینی که از خزانه دولت حقوق می‌گیرند، ممنوع است؛ ۶. برگزار شدن انتخابات به‌صورت دومرحله‌ای (کسب اکثریت مطلق در دور اول و اکثریت نسبی در دور دوم)؛ و ۷. واجب بودن سرشماری عمومی ساکنان در مدتی که از دو سال تجاوز نکند.

۲. قانون انتخابات ۱۹۵۰

در ۱۰/۸/۱۹۵۰ اولین قانون انتخابات مصوب مجلس پس از استقلال لبنان به‌وسیله رئیس‌جمهور اعلان و منتشر شد که این قانون در هفت فصل و ۶۳ ماده و دو جدول پیوست به آن صادر شد. مواردی که در این قانون می‌توان به آنها اشاره کرد عبارتند از:

۱. تعداد نمایندگان از ۵۵ نفر به ۷۷ نماینده افزایش یافت (ماده یک) و استان به‌عنوان محدوده حوزه انتخاباتی محسوب شد. به جز استان‌هایی که دارای ۱۵ کرسی نمایندگی در آن هستند که در این صورت بیش از یک حوزه انتخاباتی دارند؛ مثل دو استان جبل لبنان و لبنان شمالی که به سه حوزه تقسیم شدند؛^{۴۰}

۲. سن نامزدها ۲۵ سال و باید توانایی خواندن و نوشتن داشته باشند و از حقوق مدنی و سیاسی بهره‌مند باشند (ماده ۶ قانون انتخابات)؛

۳. رای‌دهندگان باید ۲۱ سال سن داشته و مرد باشند؛

۴. کسانی که تابعیت را به‌دست می‌آوردند، تنها پس از گذشت پنج سال از تابعیتشان می‌توانند درخواست نامزدی بدهند؛ که این برای اولین بار بود به کسانی که تابعیت لبنانی کسب می‌کردند اجازه نامزد شدن داده نشد مگر بعد از سپری شدن پنج سال از تابعیت؛

۵. عدم جمع نمایندگی و مشاغل دینی و عمومی (ماده ۲۵ قانون انتخابات)؛

۶. نامزدها باید پنج هزار لیبره لبنانی به ودیعه بگذارند و در صورتی که آنان پس داده می‌شد که ۱۵ درصد آرای رای‌دهندگان را به‌دست آورند؛ و

۷. انتخابات به‌صورت دومرحله‌ای برگزار می‌شد؛ به این صورت که نامزدها باید در دور اول

حداکثر آرا را به‌دست آورند و این حداکثر نباید کمتر از ۴۰ درصد آرا باشد و در صورتی که نامزدها نتوانند برنده اکثریت آرا شوند، دور دوم با حضور نامزدهایی که بیش از ۱۵ درصد را به‌دست آورده باشند، برگزار می‌شد (ماده ۵۱ قانون انتخابات).

۳. قانون انتخابات ۱۹۵۲

قانون ۱۰ آب/ اوت ۱۹۵۰ به وسیله دو مصوبه قانونی به شماره شش، مصوب ۱۹۵۲/۱۱/۱۴ و شماره هفت مصوب ۱۹۵۳/۱۱/۱۲ مورد اصلاح قرار گرفت. ازجمله اصلاحات صورت گرفته در این قانون می‌توان به این موارد اشاره نمود:

۱. کاهش تعداد نمایندگان به ۴۴ نماینده (ماده ۱ قانون انتخابات)؛

۲. تقسیم لبنان به ۳۳ حوزه انتخابیه (ماده ۳ قانون انتخابات)؛

۳. اعطای حق رای به زنان برای اولین بار. عدم پذیرش حق رای برای زنان در لبنان، هم با ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر که لبنان یکی از امضاکنندگان این اعلامیه بود، در تضاد بود و هم با اصل هفت قانون اساسی ۱۹۲۶ که مقرر می‌دارد «تمامی مردم لبنان در مقابل قانون با هم برابر می‌باشند. آنها همچنین از حقوق مدنی و سیاسی یکسان برخوردار و به یک میزان مسئولیت‌ها و وظایف عمومی را بدون هیچ تبعیضی بر عهده دارند.» بنابراین، قانون اساسی بدون هیچ تبعیضی حقوق مدنی و سیاسی ازجمله حق انتخاب را برای همه لبنانی‌ها چه زن و مرد به رسمیت شناخت. اما قوانین انتخاباتی تا قبل از سال ۱۹۵۲ به‌خصوص قانون ۱۰ آب/ اوت ۱۹۵۰، به‌صراحت فهرست‌های انتخاباتی را مخصوص مردها می‌داند و با نادیده گرفتن مفاد اصل هفت قانون اساسی، زنان را از حق رای محروم می‌کند. بنابراین برای اصلاح قانون انتخابات، تلاش‌هایی توسط گروه‌هایی چون «کمیته حقوق سیاسی زنان» صورت گرفت که نتیجه این تلاش‌ها صدور مصوبه قانونی به شماره ۶ صادره در ۴ تشرین الثانی/ نوامبر ۱۹۵۲ بود.^{۴۱} طبق این مصوبه قانونی، زنان لبنانی در صورتی که گواهی تحصیلی ابتدایی داشته باشند یا کلاس پنجم را با موفقیت گذرانده باشند، می‌توانند رای دهد. اما بر شرط گذاشته شده برای زنان انتقاداتی وارد شد و در نتیجه همین اعتراض‌ها و تلاش‌ها بود که مصوبه قانونی به شماره ۳۷- ۱۸ شباط/

فوریه ۱۹۵۳^{۴۲} نه تنها شرط محدودیت حق رای زنان را حذف کرد، بلکه به آنان حق نامزد شدن نیز داده شد؛^{۴۳}

۴. اجباری کردن رای و جریمه کردن شخص متخلف به پرداخت ۵۰۰ تا ۱۰۰ لیره لبنانی که طبق ماده ۲۳ بنا به مواردی موجه تلقی می شد و مشمول جریمه نمی شد؛ از جمله، نبودن در لبنان، بیماری، انجام وظیفه یا انجام کاری در جهت مصلحت عموم، و وقوع حادثه غیرمنتظره. البته طبق مصوبه قانونی ۱۹۵۳/۲/۱۸ زنان از چنین مجازاتی مستثنی شده اند؛ و ۵. یک مرحله ای شدن انتخابات و برنده شدن نامزدی که بیشترین رای را به دست آورد (ماده ۵۱ قانون انتخابات).

۴. قانون انتخابات ۱۹۵۷

قانون ۱۹۵۷ دارای هفت فصل و ۶۴ ماده و دو جدول پیوست به آن می باشد. طبق این قانون تعداد نمایندگان به ۶۴ نماینده افزایش یافت، انتخابات یک مرحله ای و لبنان به ۲۷ حوزه انتخاباتی تقسیم شد، و کسانی که تابعیت لبنانی کسب می کردند، بعد از سپری شدن ده سال می توانستند نامزد شوند (ماده ۶ قانون انتخابات).

۵. قانون انتخابات ۱۹۶۰

این قانون در ۲۶ نisan / آوریل ۱۹۶۰ در هفت فصل و ۷۳ ماده و یک جدول پیوست به آن به وسیله رئیس جمهور اعلان و منتشر شد که به گفته غانم نورالدین «قانون ۱۹۶۰، لبنان را در بازی طوایف و مناطق و منافع کوتاه مدت قرار داد و به افزایش اختلاف میان لبنانی ها دامن زد که نمونه عدم موفقیت این قانون را می توان در عدم توانایی مجلس در سال ۱۹۷۲ در حل دلایل جنگ داخلی که در سال ۱۹۷۵ شعله ور شد، مشاهده نمود.»^{۴۴} موارد مهم این قانون عبارت است از:

۱. افزایش تعداد نمایندگان از ۶۶ به ۹۹ نماینده؛
۲. محدوده حوزه انتخاباتی شهرستان شد، مگر مراکز استان ها که در مجموع ۲۶ حوزه انتخاباتی می شد؛

۳. سن رای‌دهنده و نامزد شدن بدون تغییر و مثل قانون ۱۹۵۷ بود؛
 ۴. نامزدها در صورتی می‌توانند ودیعه خود را که سه میلیون لیره لبنانی است پس بگیرند که ۲۵ درصد آرا را به‌دست آورند؛
 ۵. کارمندان گروه اول و دوم، قضات، رؤسای شهرداری و مراکز استان‌ها، رؤسای شوراهای موسسات عمومی و مدیران و اعضای آنها، فرمانداران و رؤسای کمیسیون‌های شهرداری در مراکز شهرستان در صورتی می‌توانند نامزد شوند که حداقل شش ماه قبل از انتخابات استعفا داده باشند (ماده ۳۰ قانون انتخابات)؛
 ۶. برای اولین بار قانون انتخابات ۱۹۶۰ اختیاری بودن رای را مورد پذیرش قرار داد^{۴۵} که به‌عنوان یکی از اصول نظام انتخاباتی لبنان تلقی می‌شود؛ و
 ۷. دو ماده جدید در این قانون به‌کار رفته و در واقع ابتکار جدیدی بود که برای اولین بار در قانون انتخابات لبنان وارد شد؛ یکی رای دادن با کارت‌های انتخاباتی در ماده ۴۹ و دیگری، وجود اتاقلک مخصوص رای در همه مراکز انتخاباتی در ماده ۵۰. سری بودن رای یکی از مهم‌ترین شرایط برای صحت و سلامت رای‌گیری است؛ چرا که امکان فشار از طرف نامزدها یا نمایندگان بر رای‌دهندگان برای رای دادن به نامزدی خاص وجود دارد و در واقع ضمانتی برای تحقق آزادی رای‌دهنده در انتخاب نامزد مورد نظرش می‌باشد. به همین خاطر وجود این اتاقلک‌ها سبب می‌شد تا رای‌دهندگان با آرامش خاطر بیشتری رای دهند و همچنین باعث شفافیت و سالم برگزار شدن انتخابات می‌شد؛ چیزی که تا امروز در انتخابات مجلس رعایت می‌شود.
- طبق این قانون چهار دوره انتخابات در سال‌های ۱۹۶۰، ۱۹۶۴، ۱۹۶۸ و ۱۹۷۲ برگزار شد و قرار بود که در سال ۱۹۷۶ انتخابات جدید برگزار شود، ولی به‌دلیل شرایط جنگ داخلی که از ۱۹۷۵/۴/۱۳ شروع شد، مجلس با همان قانون ۱۹۶۰ به‌کار خود تا سال ۱۹۹۲ ادامه داد و اتفاق مهمی که طی این دوره در سال ۱۹۸۹ رخ داد، توافق‌نامه طائف بود که این توافق‌نامه در قوانین انتخاباتی بعد تأثیرگذار بود؛ چرا که بر اساس همین توافق‌نامه بود که نمایندگان مجلس به‌صورت مساوی بین مسلمانان و مسیحیان تقسیم شد. طبق این توافق‌نامه تعداد نمایندگان به ۱۰۸ نفر افزایش یافت و کرسی‌های جدید به‌صورت استثنایی و تنها برای یک بار از طرف حکومت وفاق

ملی تعیین شدند و استان محدوده حوزه انتخاباتی شد تا گامی در جهت لغو طایفه‌گری سیاسی برداشته شود.

۶. قانون انتخابات ۱۹۹۲

قانون شماره ۱۵۴ سال ۱۹۹۲ قانون ۱۹۶۰ را اصلاح نمود. در این قانون تعداد نمایندگان ۱۲۸ نفر شده و همان‌طور که در توافق‌نامه طائف آمده، استان محدوده حوزه انتخاباتی شد و در جدول پیوست شده تعداد نمایندگان هر استان با توجه به طوایف مشخص شده است. همچنین برطبق ماده ۹ تخلف از مواد این قانون علاوه بر مجازات طبق قانون مجازات، متخلف مشمول جریمه یک میلیون لیره خواهد شد.

۷. قانون انتخابات ۱۹۹۶

این قانون نیز بر قانون ۱۹۶۰ اصلاحاتی وارد نمود. از موارد مهم اصلاحات صورت گرفته در زمینه حوزه انتخاباتی بود که طبق آن استان به‌عنوان حوزه انتخاباتی در استان‌های بیروت، شمال و بقاع محسوب شد و دو استان جنوب و نبطیه یک حوزه و شهرستان در جبل لبنان به‌عنوان حوزه انتخاباتی تلقی شد (ماده ۳ قانون انتخابات).

۸. قانون انتخابات ۲۰۰۰

قانون شماره ۱۷۱ مصوب ششم کانون الثانی/ ژانویه ۲۰۰۰ دارای نه فصل و ۱۱۹ ماده و دو جدول پیوست شده به آن است. بر این قانون نیز انتقادهایی وارد شده که می‌توان به این گفته معن بشور اشاره نمود: «این قانون عدالت، تساوی و منطق را حاکم نمی‌کند و بدی‌های قوانین گذشته را بدون خوبی‌های آنها در خود دارد.»^{۴۶} از جمله مهم‌ترین انتقادات وارده بر این قانون در زمینه حوزه‌های انتخاباتی می‌باشد که تقسیم‌بندی حوزه‌ها را تابع ملاحظات سیاسی نمود. به‌عنوان مثال، شهرستان (المنیة - الضفیة) به دو قسمت تقسیم شد و هریک به حوزه‌های مختلفی ملحق شدند و یا شهرستان بشری از منطقه سیاسی، اجتماعی و اداری‌اش جدا و به

شهرستان عکار و منطقه الضفیه ملحق شد، بدون اینکه ارتباط عمرانی و دلایل توجیه کننده‌ای بین آنها وجود داشته باشد. همچنین می‌توان به پشیمانی نبیه بری، رییس مجلس نمایندگان لبنان، از رای دادنش به قانون انتخاباتی ۲۰۰۰ اشاره نمود.^{۴۷} از موارد مهم این قانون می‌توان به نکات زیر اشاره کرد:

۱. تعداد نمایندگان ۱۲۸ نفر بوده و لبنان به ۱۴ حوزه انتخابیه تقسیم شد که شامل محلات و شهرک‌ها و مناطق می‌باشد (ماده ۱ و ۲ قانون انتخابات)؛
۲. رای‌گیری عمومی و سری و یک مرحله‌ای بود (ماده ۵ قانون انتخابات)؛
۳. ماده ۶ اشخاص محروم از حق انتخاب را ذکر می‌کند؛
۴. ماده ۱۳ و ۱۴ به فهرست‌های انتخاباتی اشاره می‌کند و آنها را دایمی می‌داند و رای‌دهندگان باید نامشان در فهرست‌ها ثبت شود؛
۵. ودیعه گذاشته شده ده میلیون لیره و پس گرفتن آن در صورت کسب ۱۰ درصد آرا است (ماده ۳۵ قانون انتخابات)؛ و
۶. حضور ناظران مردمی در کنار ناظران نامزدها و حکومت (ماده ۴۲ قانون انتخابات).

۹. قانون انتخابات ۲۰۰۸

آخرین تحولی که در نظام انتخاباتی لبنان رخ داد، تصویب قانون انتخابات سال ۲۰۰۸ است. این قانون در جهت تحقق برگزاری یک انتخابات دموکراتیک و منصفانه در ۱۱ فصل و ۱۱۷ ماده در تاریخ ۲۰۰۸/۱۰/۸^{۴۸} به تصویب مجلس رسید و در ۲۰۰۸/۱۲/۲۷ مورد اصلاح قرار گرفت. این قانون جامع‌ترین قانون انتخابات لبنان در بین قوانین گذشته به‌شمار می‌رود و قانون‌گذار سعی کرده با وضع مقررات و احکام نسبتاً جامع به سلامت و شفافیت هرچه بیشتر انتخابات کمک نماید. در این قانون، نمایندگان هر چهار سال یک بار بر اساس نظام اکثریتی انتخاب می‌شوند و رای‌گیری به‌صورت عمومی و سری و یک مرحله‌ای خواهد بود (ماده ۱ قانون انتخابات).

برای اولین بار قانون انتخابات سال ۲۰۰۸ برگزاری انتخابات را در تمامی حوزه‌های انتخاباتی که در این قانون شهرستان است، یک روز مشخص کرد؛ امری که در قوانین انتخاباتی گذشته در

چهار روز آخر هفته به‌طور متوالی برگزار می‌شد.^{۴۹} شرایط نامزدها و رای‌دهندگان مانند قانون انتخابات سال ۲۰۰۰ شد، جز در دو مورد: ۱. کسانی که کسب تابعیت می‌کنند تنها پس از سپری‌شدن ده سال حق رای‌دادن را دارند که یک شرط غیرمنطقی است^{۵۰} و بهتر بود این سن را کاهش می‌داد و تنها برای نامزدها سپری‌شدن ده سال را قرار می‌داد؛ و ۲. زنان خارجی که با مردان لبنانی ازدواج می‌کنند، مستثنی از شرط تابعیت هستند (ماده ۵ قانون انتخابات). در انتخابات سال ۲۰۰۰ از کارت انتخاباتی به‌عنوان سند شناسایی رای‌دهنده استفاده می‌شد، اما به‌خاطر معایبی که داشت از جمله جعل آنها، در این قانون کنار گذاشته شد و شناسنامه یا گذرنامه معتبر لبنانی تنها سند شناسایی رای‌دهنده برای رای‌دادن محسوب شد (مواد ۸۸ و ۱۱۰ قانون انتخابات) و در انتخابات سال ۲۰۰۹ شکایتی در مورد جعل شناسنامه یا گذرنامه از طرف رای‌دهندگان و نامزدها به شورای قانون اساسی ارایه نشد و این خود بر موفق بودن این روش قانون‌گزار صحنه می‌گذارد. فهرست‌های انتخاباتی توسط اداره کل ثبت احوال بر اساس احوال شخصیه تهیه می‌شوند (ماده ۲۶ قانون انتخابات). این قانون در دو زمینه نسبت به قوانین گذشته، نوآور است: ۱. وضع قواعد و مقررات برای وجه و هزینه‌های انتخاباتی و در واقع قانون‌گزار با این کار سعی کرده تا نقش سرمایه در مبارزات انتخاباتی را کم نماید. به‌خصوص با تعیین سقف هزینه‌های ثابت و سیار برای نامزدها. فلسفه تنظیم هزینه‌های انتخاباتی بر پایه تعیین حداکثر یعنی تعیین سقف برای هزینه‌هاست تا بدین وسیله نامزدهای دارای امکانات بسیار از هزینه کردن بیش از این حد منع شوند و در واقع نقش سرمایه مالی در عملیات انتخابات کم‌رنگ شود؛^{۵۱} چیزی که امروز مورد توجه اکثر کشورها قرار گرفته و نامزدها و احزاب را ملزم به رعایت سقف هزینه‌های انتخاباتی نموده‌اند. همچنین تنظیم هزینه‌های انتخاباتی باعث شفافیت بیشتر عملیات انتخاباتی و بالا بردن سطح مسئولیت نامزدها و احزاب و گروه‌های سیاسی در انتخابات می‌شود. طبق قانون حداکثر مبلغی که هر نامزد در زمان مبارزات انتخاباتی در لبنان می‌تواند هزینه نماید بر اساس آنچه در زیر می‌آید، مشخص می‌شود:

- بخش ثابت و مقطوع ۱۵ میلیون لیره لبنانی است؛

- بخش متغیر با توجه به تعداد رای‌دهندگان در حوزه انتخابیه به‌وسیله مصوبه هیأت وزیران

بر مبنای پیشنهاد وزیر کشور و شهرداری‌ها تعیین می‌شود. طبق مصوبه هیأت وزیران در ۲۰۰۹/۳/۲۶ حداکثر مبلغ متغیر که نامزدها می‌توانند در طول مبارزات انتخابی هزینه کنند، ۴۰۰۰ لیره لبنانی است.

در فصل نهم قانون انتخابات، رای‌گیری از شهروندان لبنانی غیرمقیم در لبنان آمده است. با این کار زمینه حضور شهروندان لبنانی مقیم خارج در سرنوشت کشورشان و همچنین اعمال حق رای‌شان در انتخابات مجلس فراهم شد. به‌خصوص اینکه جمعیت این شهروندان حدود چهار برابر جمعیت مقیم در لبنان است و در نتیجه احساس مسئولیت در بین این شهروندان نسبت به کشورشان ایجاد می‌شود.^{۵۲}

قواعد و مقررات جامع‌تری در مورد رسانه‌ها و تبلیغات در طول دوره مبارزات انتخاباتی نسبت به قوانین گذشته در این قانون وضع شد. رسانه‌های صوتی - تصویری و چاپی^{۵۳} در لبنان متنوع و اصل ۱۳ قانون اساسی آزادی آنها را در زمینه پخش و نشر تضمین نموده است: «آزادی ابراز اندیشه از طریق سخن و قلم، مطبوعات و ... در محدوده مقرر در قانون اساسی تضمین شده است.» همچنین قانون انتخابات، حضور فعال رسانه‌ها در فرآیند انتخابات و فعالیت تبلیغاتی‌شان را در طول مبارزات انتخاباتی به رسمیت شناخته است. مبارزاتی که در زمینه شناساندن نقطه‌نظرات و دیدگاه‌های نامزدها با احترام به اختلاف این نقطه‌نظرات و دیدگاه‌ها، مدرسه حقیقی برای آموزش دموکراسی را تشکیل می‌دهند؛ چرا که دموکراسی فقط جمع اختلاف‌ها نیست بلکه تضمین حق در این اختلاف‌هاست. بنابراین رسانه‌ها می‌توانند نقش‌های مزبور را ایفا نمایند: «۱.. تشویق شهروندان به مشارکت فعال در انتخابات؛ ۲.. آگاهی دادن به افکار عمومی؛ ۳.. انتقال رقابت بین نامزدها و لیست‌ها از شکل سنتی و منطقه‌ای به سطح سیاسی و ملی؛ ۴.. رساندن اخبار به رای‌دهندگان و حوزه‌ها؛ ۵.. فراهم کردن زمینه نظارت بر انتخابات برای ناظران»^{۵۴} و نظارت بر انتخابات، هم توسط ناظران داخلی (نهادهای مدنی و نمایندگان رای‌دهندگان و نامزدها و لیست‌ها و شورای قانون اساسی) صورت گرفت و هم توسط ناظران بین‌المللی که هدف قانون‌گزار افزایش اعتماد بین شهروندان به‌خصوص رای‌دهندگان و نامزدها بود. این ناظران ملزم به رعایت قانون انتخابات و قواعد و مقررات مرتبط به آن هستند؛ به‌خصوص

تصمیم شماره ۶۳۵ (آیار/مایدو ۲۰۰۹) معروف به منشور شرف در مورد هیات‌های بین‌المللی و ملی حاضر در فرآیند انتخابات و مصوبه شماره ۱۵۱۷ (۲۶/۲/۲۰۰۹) در مورد شرایط همراهی هیات‌های بین‌المللی در فرآیند انتخابات، اما رسیدگی به اعتراض‌ها نسبت به روند انتخابات توسط شورای قانون اساسی صورت می‌گیرد.

گفتار سوم: تاریخچه انتخابات ریاست جمهوری

با تصویب اولین قانون اساسی لبنان در سال ۱۹۲۶ دوره‌های جدیدی در تاریخ لبنان آغاز شده است که بر اساس این قانون نوع حکومت در لبنان، جمهوری و رئیس‌جمهور توسط مجلس نمایندگان و سنا انتخاب می‌شد و بر اساس اصل ۴۹، رئیس‌جمهور با رای‌گیری غیرعلنی و با اکثریت دو سوم آرا توسط مجلس سنا و نمایندگان که در کنگره گردهم می‌آیند، انتخاب می‌شود. پس از دوره نخست رای‌گیری، اکثریت مطلق کافی است. دوره ریاست جمهوری سه سال می‌باشد. وی برای سومین بار فقط پس از حد فاصل یک دوره زمانی سه ساله می‌تواند مجدداً انتخاب شود. هیچکس واجد صلاحیت انتخاب شدن برای ریاست جمهوری نمی‌باشد، مگر اینکه واجد شرایط نمایندگی مجلس باشد. بنابراین برای اولین بار در تاریخ لبنان، رئیس‌جمهور به‌عنوان نماد وحدت ملی توسط دو مجلس نمایندگان و سنا به‌صورت غیرعلنی برای مدت سه سال انتخاب می‌شد و شرایط انتخاب رئیس‌جمهور مانند نمایندگان مجلس تعیین شد. طبق اصل ۲۴ قانون اساسی ۱۹۲۶، اعضای مجلس نمایندگان طبق مفاد مصوبه شماره ۱۳۰۷ مورخ ۱۰ آذر/مارس ۱۹۲۲ که تا تدوین قانون جدید انتخابات توسط قوای مقننه کماکان مجراست، انتخاب می‌شوند. از جمله شرایط نامزدهای مجلس طبق مفاد تصمیم شماره ۱۳۰۷، که برای نامزدهای پست ریاست جمهوری لازم است، لبنانی بودن، دارای حق انتخاب، ۳۵ سال سن و توانایی خواندن و نوشتن بود. از آن تاریخ تا امروز رؤسای جمهور در لبنان توسط مجلس نمایندگان - به جز یک دوره که توسط دو مجلس نمایندگان و سنا انتخاب شد - انتخاب می‌شوند. برای روشن شدن موضوع، تاریخ انتخابات ریاست جمهوری در دو دوره قیومیت و استقلال مورد بررسی قرار می‌گیرد:

بند اول: رؤسای جمهور دوره قیمومیت (۱۹۲۰-۱۹۴۶)

قبل از اعلامیه ژنرال غورو در اول سپتامبر ۱۹۲۰، لبنان جزو امپراتوری عثمانی بود ولی با شکست عثمانی در جنگ جهانی اول، لبنان به موجب معاهده سایکس-پیکو و توافقات سان ریمو، که بین نیروهای پیروز جنگ منعقد شد، تحت قیمومیت فرانسه در آمد.^{۵۵}

طبق اصل ۴۹ قانون اساسی ۱۹۲۶، دو مجلس نمایندگان و سنا موظف بودند که در جلسه مشترک رئیس جمهور را انتخاب کنند، بنا بر همین تکلیف، دو مجلس نمایندگان و سنا در تاریخ ۲۶ ايار/ مه ۱۹۲۶ جلسه‌ای به ریاست شیخ محمد الجسر، رئیس مجلس سنا، برگزار کردند و در آن جلسه، بدون بحث و مناقشه شارل دباس که یک مسیحی ارتدکسی بود^{۵۶} را با اکثریت آرا و تنها یک رای مخالف به عنوان اولین رئیس جمهور لبنان برگزیدند. بنابراین شارل دباس به عنوان اولین رئیس جمهور لبنان تا امروز است که توسط دو مجلس سنا و نمایندگان انتخاب شد؛ چرا که در تشرین الاول/ اکتبر ۱۹۲۷ قانون اساسی لبنان دچار اصلاحاتی شد و به موجب این اصلاحات با ادغام دو مجلس سنا و نمایندگان، یک مجلس با ۴۵ عضو تشکیل شد که دو سوم انتخاب و یک سوم تعیین می شدند. پس از این دوره سه ساله، مجلس نمایندگان در جلسه ۲۷ آذار/ مارس ۱۹۲۹ مجلس نمایندگان با ۴۲ رای موافق و یک رای مخالف، دوباره شارل دباس را برای سه سال دیگر به عنوان رئیس جمهور برگزید. در اصلاحیه ۱۹۲۹/۵/۸ قانون اساسی، طول دوره ریاست جمهوری به شش سال افزایش پیدا کرد، که طبق بند انتقالی اصل ۴۹ مشمول رئیس جمهور کنونی نمی شد.

در سال ۱۹۳۲ میان دو نامزد مسیحی ریاست جمهوری، یعنی امیل اده و بشاره الخوری رقابت در گرفت و چون مجلس در انتخاب یکی از آنها نتوانست به نتیجه برسد، پیشنهاد داد تا یک مسلمان به نام شیخ محمد الجرر به ریاست جمهوری برگزیده شود. اما فرانسه با این اقدام مخالفت کرد و ریاست دباس برای یک سال دیگر تمدید شد^{۵۷} و نماینده عالی رتبه فرانسه را با تصمیم شماره ۵۵/ ل.ر. قانون اساسی به حالت تعلیق درآورد. در سال ۱۹۳۴ نماینده عالی رتبه فرانسه، حبیب سعد را به عنوان رئیس جمهور برای یک سال منصوب کرد که یک سال دیگر نیز تمدید شد.^{۵۸} در سال ۱۹۳۶ امیل اده به عنوان رئیس جمهور توسط مجلس انتخاب شد که تا

سال ۱۹۴۱ رئیس جمهور لبنان بود. در این سال فرانسه، لبنان را به طور رسمی مستقل اعلام کرد. از ۸ آوریل ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۳، الفرد نقاش توسط فرانسه به عنوان رئیس جمهور لبنان منصوب شد. سپس از ۱۹ مارس تا ۲۱ یولیو، ایوب ثابت از خانواده مسیحیان پروتستان به عنوان رئیس جمهور انتخاب شد. آخرین رئیس جمهور در دوره قیمومیت بترو طراد از خانواده مسیحیان ارتدکس بود که در سال ۱۹۴۳ انتخاب شد.^{۵۹}

بترو طراد در کنار دباس و ثابت، سه رئیس جمهور غیر مارونی لبنان می باشند.

بند دوم: رؤسای جمهور دوره استقلال

در ۲۲ نوامبر ۱۹۴۳ لبنانی ها توانستند به قیمومیت فرانسه بر کشورشان پایان دهد و به عنوان کشوری مستقل وارد عرصه بین الملل شوند. پس از استقلال، رئیس جمهور توسط مجلس نمایندگان از میان مسیحیان مارونی انتخاب می شد. به این صورت که پس از کسب استقلال بشاره الخوری به عنوان ریس جمهور و تقی الدین صلح به عنوان نخست وزیر انتخاب شدند. این دو در سال ۱۹۴۳ توافق نانوشته ای کردند که به میثاق ملی لبنان معروف شد. این میثاق پایه های اساسی نظام لبنان را تشکیل می دهد. طبق این میثاق، رئیس جمهور مسیحی مارونی، نخست وزیر سنی و رئیس مجلس شیعه می باشد و شرایط نامزدهای ریاست جمهوری همان شرایط نامزدهای نمایندگی مجلس است که این مساله در اصل ۴۹ اصلاحیه ۱۹۴۷ و ۱۹۹۰ مورد اشاره قرار گرفته است.

بشاره الخوری اولین رئیس جمهور لبنان در دوران استقلال از سپتامبر ۱۹۴۳ تا ۱۱ نوامبر ۱۹۴۳ و سپس از ۲۲ نوامبر ۱۹۴۳ تا ۱۸ سپتامبر ۱۹۵۲ است. تمدید دوره ریاست جمهوری او با اصلاحی که در اصل ۴۹ ایجاد شد، صورت گرفت. به موجب اصلاحیه اصل ۴۹، انتخاب رئیس جمهور کنونی، یعنی بشاره الخوری، برای یک دوره شش ساله دیگر امکان پذیر شد. پس از ریاست جمهوری بشاره الخوری، چندین رئیس جمهور دیگر توسط مجلس انتخاب شدند که به اسامی این رؤسا با سال دوره انتخابشان اشاره می شود:

کمیل شمعون، ۲۳ سپتامبر ۱۹۵۲ تا ۲۲ سپتامبر ۱۹۵۸؛ فؤاد شهاب، ۲۳ سپتامبر ۱۹۵۸ تا

۲۲ سپتامبر ۱۹۶۴؛ شارل حلو، ۲۳ سپتامبر ۱۹۶۴ تا ۲۲ سپتامبر ۱۹۷۰؛ سلیمان فرنجه، ۲۳ سپتامبر ۱۹۷۰ تا ۲۲ سپتامبر ۱۹۷۶؛ الیاس سرکیس، ۲۳ سپتامبر ۱۹۷۶ تا ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۲؛ بشیر الجمیل، ۲۳ آب تا ۱۴ سپتامبر ۱۹۸۲؛ امین الجمیل، ۲۳ سپتامبر ۱۹۸۲ تا ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۸؛ رینیہ معوض، ۵ نوامبر ۱۹۸۹ تا ۲۲ نوامبر؛ الیاس الہراوی، ۲۴ نوامبر ۱۹۸۹ تا ۲۴ نوامبر ۱۹۹۸؛ امیل لحود، ۲۴ نوامبر ۱۹۹۸ تا ۲۳ نوامبر ۲۰۰۷؛ و میشل سلیمان، ۲۰۰۸.

نتیجہ گیری

لبنان به عنوان یکی از کشورهای منطقه خاورمیانه از گذشته های دور شاهد برگزاری انتخابات بوده و مردم لبنان با شیوه های انتخابات حاکمان کم و بیش آشنا بوده اند. اما انتخابات به معنی امروزی در لبنان به اواسط قرن ۱۹ و نظام نامه شکیب افندی بر می گردد که در آن قضات و مستشاران به صورت انتخاباتی توسط اعیان انتخاب می شدند. این نظام نامه دارای جنبه مهم دیگری هم بود و آن تثبیت طایفه گری دینی در این کشور بود که بعدها یکی از تاثیر گذارترین و نقش آفرین ترین موضوعات در نظام سیاسی لبنان به خصوص نظام انتخاباتی شد. نظام طایفه گری دینی باعث گردید که کرسی های نمایندگی مجلس بین طوایف دینی لبنان، تقسیم و به ادیان مسیحی و اسلام سهم مشخصی از کرسی های نمایندگی اختصاص یابد. بر این نظام انتخاباتی و در راس آن قوانین انتخاباتی مجلس ایراداتی وارد است؛ از جمله، توزیع کرسی های نمایندگی بین طوایف مشخص شده که این خود مهم ترین نقطه ضعف نظام انتخاباتی لبنان است؛ زیرا مخدوش کننده حاکمیت ملی و هویت ملی است و در واقع باعث چیرگی هویت قومی و طایفه ای بر هویت ملی است و با محدود کردن نامزدها بین چند طایفه، نمایندگی ملی را که در اصل ۲۷ قانون اساسی مورد پذیرش قرار گرفته، نقض می کند «عضو مجلس نماینده تمام ملت است» و با پذیرش طایفه گری گویا نمایندگان مجلس، نماینده طوایف هستند نه نماینده ملت. بنابراین تا زمانی که بحث طایفه گری حل نشود، نمی توان گفت که نمایندگان، نماینده تمام ملت هستند و اولین قدم در حل این مشکل، پذیرش کرسی ها برای نمایندگان مستقل از قید طایفه گری است و سپس قرار دادن استان به عنوان حوزه انتخابیه؛ چیزی که در توافق نامه طائف ذکر شده است تا

کشمکش‌های طایفه‌ای کمرنگ‌تر شود. همچنین تغییر نظام اکثریتی به نظام تناسبی و فراهم کردن زمینه حضور فعال‌تر احزاب در انتخابات. ایراد دیگری که وارد می‌شود، منع نظامیان از رای دادن است که این خود نقض حقوق شهروندی می‌باشد و بخشی از شهروندان را از دخالت در تعیین سرنوشت کشورشان منع می‌کند. اما صرف‌نظر از بحث طایفه‌گری، می‌توان سیر تاریخی قوانین انتخاباتی مجلس را خوب ارزیابی کرد و به مرور زمان این قوانین در زمینه رعایت حقوق شهروندی و ایجاد اعتماد بین رای‌دهندگان و نامزدها گام‌های مثبتی برداشته‌اند، به‌خصوص قانون انتخابات سال ۲۰۰۸ که کامل‌ترین قانون انتخابات در بین قوانین گذشته است و گام‌های مؤثر و محکمی در زمینه شفافیت و سلامت انتخابات برداشته است. اما انتخاب رییس جمهور که بعد از دوره قیومیت فرانسه و با اعلان اولین قانون اساسی در لبنان توسط دو مجلس سنا و نمایندگان صورت می‌گرفت، سبب شده است لبنان به‌عنوان یک کشور جمهوری شناخته شود؛ اگرچه تا قبل از سال ۱۹۴۳ و کسب استقلال لبنان، رییس جمهور چندین دوره توسط نماینده عالی‌رتبه فرانسه در لبنان انتخاب می‌شد، اما بعد از این دوران رییس جمهور شخصیتی مستقل از دولت فرانسه شناخته شد و تنها توسط مجلس نمایندگان و بدون دخالت دول خارجی به‌خصوص فرانسه انتخاب می‌شد.

پاورقی‌ها:

۱. ادمون رباط، «الوسيط في القانون الدستوري العام»، دار العلم الملايين، الطبعة الثالثة، ۲۰۰۴، ص ۴۱.
۲. سعید صمدی، «بررسی تطبیقی قانون انتخابات ۱۱۰ کشور جهان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۴، ص ۱۴.
۳. ابوالفضل قاضی، «حقوق اساسی و نهادهای سیاسی»، تهران، نشر میزان، چاپ یازدهم، ۱۳۸۳، ص ۵۷۸.
۴. عبدالفتاح ماضی، «مفهوم الانتخابات الديمقراطية»، مشروع دراسات الديمقراطية في البلدان العربية، اللقاء السنوي السابع عشر الديمقراطية و الانتخابات في الدول العربية يعقد اللقاء يوم السبت، ۱۸/۷/۲۰۰۷، ص ۱۷، ر. کد به: <http://www.achr.nu/art220.htm>
۵. گیل گودین و گای اس، «انتخابات آزاد و منصفانه در حقوق و رویه‌های بین‌المللی»، ترجمه سید جمال سیفی و سید قاسم زمانی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، ۱۳۷۹، ص ۱۳.
۶. حسن صعب، «العملية الانتخابية و الديمقراطية في لبنان»، مجموعة أبحاث و مناقشات، المؤسسة الجامعية للدراسات و النشر و التوزيع، الطبعة الاولى، ۱۹۸۷، ص ۷.
۷. عبدا.. الملاح، الانتخابات النيابية في تاريخ لبنان، منشورات دار لحد خاطر، ۱۹۹۶، ص ۴۷.
۸. همان، ص ۴۸.
۹. همان.
۱۰. همان، ص ۴۹.
۱۱. همان، ص ۵۲.
۱۲. همان.
۱۳. در سال ۱۸۴۲ جبل لبنانی به ۲ بخش جنوبی و شمالی تقسیم شد که در قسمت جنوبی یک حاکم دروزی و قسمت شمالی تحت سیطره یک حاکم مارونی بود. این نظام به قائم مقامی معروف شد، به این ترتیب لبنان دارای دو قائم مقام شد، رک به: سعیدفان احمد، الانظمة السياسية و المبادئ الدستورية العامة. منشورات الحلبي الحقوقية، الطبعة الاولى، ۲۰۰۸، ص ۲۴.
۱۴. موسسه حقوق الانسان و الحق الانسان، التقرير النهائي الانتخابات النيابية لربيع ۲۰۰۵، بيروت، ۲۰۰۵، ص ۵، رک. به: <http://fhrl.org/home/modules/mydownloads/viewcat.php?cid=3>
۱۵. فارس سعاده، «موسوعة الحياة النيابية في لبنان (خفايا و مواقف)»، بيروت، ۱۹۹۴، ص ۱۶.
۱۶. عبدا. بسيوني و عبدالغني، «النظم السياسية و القانون الدستوري»، منشورات الدار الجامعية، ۱۹۹۳، ص ۵۸۱.

١٧. ياسين سويد، *لبنان والطائفية*، ٢٠٠٧، ص ٤، ر. كد به: <http://alshahed.free-forums.org>
١٨. ناصيف نصار، *نحو مجتمع جديد، دار الطليعة للطباعة والنشر*، ١٩٩٥، ص ١٤.
١٩. ياسين سويد، *پيشين*.
٢٠. برای آگاهی بیشتر مراجعه شود به: *الحرب الاهلية اللبنانية*، مبحث چهارم از فصل اول، ر. كد به: <http://www.moqatel.com/openshare/Behoth/Siasia21/HarbLebnan/index.htm>
٢١. سليمان عصام، «تقرير مقارن عن اوضاع البرلمان في كل من لبنان و الاردن و مصر و المغرب»، *المركز العربي لتطوير حكم القانون النزاهة*، ٢٠٠٧، ص ٩.
٢٢. عبدا... الملاح، *پيشين*، ص ٦٨.
٢٣. همان.
٢٤. المؤسسة الدولية للديمقراطية و الانتخابات IDEA، *الديمقراطية في الوطن العربية*، لبنان، ٢٠٠٤، ص ١٥.
٢٥. نزار و رنا صاغية، *اقتراحات من اجل اصلاح النظام الانتخابي في لبنان، الجمعية اللبنانية من اجل ديمقراطية الانتخابات*، دار النهار للنشر، بيروت، الطبعة الاولى، ٢٠٠٤، ص ص. ٣٩-٤٠.
٢٦. سليمان تقى الدين، «تعقيب»، *النزاهة في الانتخابات البرلمانية؛ مقومتها و آلياتها في الاقطار العربية، المنظمة العربية لمكافحة الفساد بالتعاون*، مع مركز دراسات الوحدة العربية، الطبعة الاولى، ٢٠٠٨، ص ٢٠٧.
٢٧. احمد سرحال، *ادراسات و وثائق أساسية في النظام السياسي اللبناني* «قانون الانتخابات اللبناني في ماضيه و حاضره»، دار الفكر العربي، الطبعة الاولى ٢٠٠٢، ص ٨٧.
٢٨. زهير شكر، *الوسيط في القانون الدستوري اللبناني*، لا دار نشر، الجزء الاول، ٢٠٠٦، ص ٤٠٠.
٢٩. محمد المجذوب، «القانون الدستوري و النظام السياسي في لبنان (اهم النظم الدستورية و السياسية في العالم)»، *منشورات الحلبي الحقوقية*، بيروت- لبنان، الطبعة الرابعة، ٢٠٠٢، ص ٤٠٠.
٣٠. وثيقة الطائف للوافق الوطني اللبناني للعام ١٩٨٩.
٣١. زهير شكر، *پيشين*، ص ٤٤٤.
٣٢. الهيئة الوطنية الخاصة بقانون الانتخابات، *تقرير الهيئة الوطنية الخاصة بقانون الانتخابات*، ٢٠٠٦، ص ٩.
٣٣. برای آگاهی بیشتر با مواد اين مصوبه مراجعه كنيد به: فارس سعاده، «موسوعة الحياة النيابية في لبنان (خفايا و مواقف)»، بيروت، ١٩٩٤، ص ص. ١١٨-١٠٦.

۳۴. مصوبه شماره ۱۳۰۷ به ۶ فصل تقسیم می‌شود: فصل اول در مورد اختصاص کرسی‌های نمایندگی و تقسیم آنها و کیفیت رای‌گیری در ۱۱ ماده. فصل دوم: ایجاد فهرست‌های انتخاباتی و تجدید نظر در آنها در ۱۹ ماده. فصل سوم: شرایط اعمال حق رای نامزدی در ۱۱ ماده. فصل چهارم: در اعمال انتخاباتی در ۲۴ ماده. فصل پنجم: تبلیغات انتخاباتی در ۵ ماده. فصل ششم: مجازات‌ها در ۲۸ ماده. مراجعه کنید به: فارس سعادة، همان، ص.ص. ۱۴۷-۱۱۸.
۳۵. احمد سرحال، *دراسات و وثائق أساسية في النظام السياسي اللبناني «قانون الانتخابات اللبناني في ماضيه و حاضره»* دارالفكر العربي، الطبعة الاولى ۲۰۰۲، ص ۸۶.
۳۶. اعبدا... الملاح، پیشین، ص ص ۱۲۰-۱۱۹.
۳۷. اولین قانون اساسی لبنان بر اساس الگوی قانون اساسی جمهوری سوم فرانسه وضع شده است. حمید احمدی، *دموکراسی انجمنی و ثبات سیاسی در جوامع ناهمگون «بررسی تجربه لبنان»*، تهران، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۱۳۸۵، ص ۳۷.
۳۸. بعضی‌ها چون سامی ابی طایع قانون اصلاح شده ۱۹۳۴ را اولین قانون انتخاباتی حقیقی در لبنان می‌دانند، مراجعه کنید به: احمد سرحال، پیشین.
۳۹. محمد المجذوب، پیشین، ص ۳۸۵.
۴۰. تقسیم شدن این دو استان به سه حوزه در واقع برای جلوگیری از پیروزی اپوزسیون بود. مراجعه کنید به: احمد سرحال، پیشین، ص ۸۷.
۴۱. *المرسوم/الاستراعی*، رقم ۶ تاریخ ۱۹۵۲/۱۱/۴، ر.ک. به: <http://www.onlinebsd.com>
۴۲. *المرسوم/الاستراعی*، رقم ۳۷ تاریخ ۱۹۵۳/۱۰/۱۸، ر.ک. به: <http://www.onlinebsd.com>
۴۳. قمر مراد منی، «المراة و السياسية» مشاركة المرأة في الحياة السياسية في لبنان، مداخلة اعدتها للهيئة الوطنية لشؤون المرأة اللبنانية، ۳۱ مایو/ یونیو ۲۰۰۱، ص ۸، ر.ک. به: <http://www.nclw.org.lb/nclw/ar/nclw/%20resources.htm>
۴۴. نورالدین غالب، «مشروع قانون انتخاب ۱۹۶۰ و صبغة الطبقة السياسية الحاكمة»، ۲۰۰۵، ر.ک. به: archives.annahar.com.lb/pdf/files/annahar-2006-12-16.pdf
۴۵. عمر حوری، «القانون الدستوري» منشورات الحلبي الحقوقية، ۲۰۰۸، ص ۱۷۸.
۴۶. محمد المجذوب، پیشین، ص ۴۰۰.

۴۷. همان، ص ۴۰۳-۴۰۰.

۴۸. روح... علی‌دزاده، ترجمه قانون انتخابات ۲۰۰۸ مجلس نمایندگان لبنان، معاونت پژوهشی، دفتر مطالعات حقوقی مرکز پژوهشهای مجلس، ۱۳۸۹.

49. National Democratic Institute(NDI), *Statement of NDI Election Observer Delegation to Lebanon's 2009 Parliamentary Elections*, 2009, p. 3, at: <http://www.ndi.org>

50. Carter Center, *Lebanon The Preliminary Statement of Carter Center on the 2009 Parliamentary Elections in Lebanon*, p. 2, at: www.cartercenter.org

۵۱ تنظیم الاتفاق الانتخابی، ۲۰۰۶، ر. ک. به:

<http://www.ladeleb.org/Publications/depenses.pdf>

۵۲ آمار غیر رسمی نشان می‌دهد که بین ۱۵ تا ۲۰ میلیون لبنانی در خارج از لبنان سکونت دارند، ر. ک. به: خیرا. پروین، «بررسی نظام حقوقی لبنان»، نشریه حقوق اساسی، سال چهارم، تابستان ۱۳۸۶، شماره ۸ ص ۸۰.

۵۳ در لبنان مطبوعات را به علت تاثیر شگرف و مهمی که در افکار عمومی دارند می‌توان پس از قوه مقننه، مجریه و قضائیه، رکن چهارم تشکیلات مملکتی محسوب داشت، ر. ک. به: احمد نادری سمیرمی، لبنان، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران: وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات، ۱۳۷۶، ص ۴۸.

۵۴ خالد العزی، الاعلام والانتخابات فی لبنان، ۲۰۱۰، ر. ک. به:

<http://alhakaek.com/news.php?action=view&id=7234>

۵۵ حمید احمدی، پیشین، ص ۳۶.

۵۶ تاریخ الرئاسات فی لبنان منذ الاستقلال، ۲۰۰۷، ر. ک. به:

<http://www.intekhabat.org/look/article.tpl?IdLanguage=17&IdPublication=1&NrArticle=4072&NrIssue=1&NrSection=1>

۵۷ حمید احمدی، پیشین، ص ۳۷.

۵۸ تاریخ الرئاسات فی لبنان منذ الاستقلال، پیشین.

۵۹ همان.